



تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران

|

نقل از نشریه کار

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در خارج از کشور

جنبش سند یگائی ایران را از آغاز شکل گیری تا کنون می توان به پنج دوره متفاوت تقسیم کرد:

- ۱- از ۱۲۸۲ تا ۱۳۰۴
- ۲- از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰
- ۳- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲
- ۴- از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷
- ۵- از ۱۳۵۷ تا کنون ۰۰۰

دوره اول، نخستین سند یگائیها و اتحادیه هاشکلی می گیرند و بتدریج به مرحله اعتلاء و رونق خود گام می گذارند که نقطه اوج آن سال های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ است. دوره دوم با آغاز دیکتاتوری رضاشاه و غیرقانونی شدن تشکیلات مبارزه اتحادیه ای در سال ۱۳۰۴ آغاز می شود و از هم پاشیدگی اتحادیه ها و رکود مبارزات سند یگائی رابه دنبال می آید. این دوره تا سال ۱۳۲۰ طول می کشد. دوره سوم که با سقوط دیکتاتوری رضاخان آغاز می شود، جنبش کارگری- سند یگائی ایران با بنیاد جنبش دموکراتیک توده ها جان تازه ای می گیرد. سند یگائیها و اتحادیه های کارگری در مقیاسی به مراتب وسیع تر از گذشته شکل می گیرند و پایه های شان را تحکیم می نمایند. دوره چهارم با کودتای امیرالیستی ۱۳۳۲، یار دیکتاتور سرکوب جنبش دموکراتیک و کارگری ایران توسط رژیم شاه، جنبش سند یگائی به حالت رکود در می آید و جای تشکیلاتی های کارگری را سند یگائی ارتجاعی آریامهری می گیرند و تشکیلات فرمایشی " سازمان کارگران ایران " به عنوان یک فدراسیون و اتحادیه ملی کارگری به کارگران ایران تحمیل می شود و بالاخره دوره پنجم که با سرنگونی رژیم مزدور شاه و پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ آغازگر مرحله نوینی در جنبش کارگری ایران می شود. چشم انداز امید بخشی را در راه تکامل تشکیلاتی های صنفی - طبقاتی پیش روی طبقه کارگر ایران می گشاید. در این مقاله ما خواهیم کوشید تا مختصات و ویژگی های عمده هر یک از مراحل فوق را با جمالی بررسی نمائیم. لازم به تذکر است که محور اصلی بررسی ما جنبش از آنکه جنبش کارگری بطور اعم باشد، مشخصا جنبش سند یگائی کارگران ایران است. ولی قبل از آنکه چگونگی تکوین و اعتلای جنبش سند یگائی در ایران را بررسی کنیم، ضروری است مقدمه متنازیمه های تکوین جنبش کارگری و سپس شرایط عینی شکل گیری سند یگائیها را بررسی و اجمالا شرح دهیم.

انحطاط و فروپاشی روابط فئودالی (که با شکل گیری تدریجی مناسبات بورژوازی نیز همراه بود) تشدید بحران های اقتصادی و فشارهای کمر شکن مالیاتی، فقر و فلاکت توده های وسیع

د هقانان وزحمتکشان شهری را به دنبال داشت. بخش وسیعی از توده کشاورزان و به ویژه پیشه وران جز به تدریج در اثر تشدید بحران مقروض و ورشکست شده و وسایل تولیدشان را از دست دادند به عبارت دیگر صرف فروشندگان کالا و محصول کار را خراج شده و به صفوف فروشندگان نیروی کار (یعنی کارگران) پیوستند. بدین ترتیب در نیمه دوم قرن نوزدهم و عامل اولیه ضرورت شکل گیری طبقه کارگر فراهم شد.

۱- جدا شدن تولید کنندگان از ابزار تولید (تبدیل بخشی از پیشه وران و دهقانان به کارگر)

۲- انباشت اولیه سرمایه (توسط تجار و صاحبان صنایع کارگاهی)

روشن است که پیدایش و تکامل مناسبات سرمایه داری، محصول پیوند سرمایه با نیروی کار یا به عبارت دیگر استثمار کارمزدوری توسط سرمایه است اما از آنجا که به دلیل متعدد تاریخی و سیاسی (که در اینجا مجال بحث آن نیست) بورژوازی ایران نتوانست به بورژوازی متکی بر صنایع بزرگ تحول یابد، به تبع آن پایبندی افزایش کمی کارگران، حجم سرمایه های صنعتی افزایش پیدا نکرد از این رو سرمایه ها قدرت جذب نیروی کار وسیع را نداشتند و ناگزیر بخش وسیعی از توده کارگران در جستجوی کار به ممالک دیگر (هندوستان، عثمانی، زنگبار و مصر و به ویژه روسیه تزاری) مهاجرت نمودند و علیرغم آنکه با ایجاد نخستین صنایع ماشینی و گسترش برخی کارگاه های تولیدی در ایران، به تدریج توده های کارگر به مفهوم جنسیت آن در شهرهای بزرگ مثل تهران، تبریز، اصفهان، انزلی و... به وجود آمد ولی ثقل جنبش کارگری ایران در ریته اعد تاد رخارج ازمرزهای ایران و به ویژه در معادن و کارخانجات باکو و قفقاز بود. نخستین پیشگامان جنبش کارگری و بنیان گزاران حزب کمونیست ایران عمدتاً از این مراکز کارگری سربرآوردند. در این سالها دهها هزار کارگر ایرانی در صنایع نفت باکو، بندرگاه ها، معادن و کارخانجات قفقاز به کار اشتغال داشتند. آشنائی و تماس مداوم آنها با جنبش کارگری و سوسیالیست د مکراتیک روسیه و شرکت فعالانه بخشی از آنان در جنبش های اعتصابی کارگران، انتقال این تجارب مبارزاتی از طریق آمد و رفت آنها به ایران به تدریج در ارتقاء آگاهی سازمان یابی صنعتی کارگران ایران و اعتلای جنبش نوپای کارگری میهنمان اثر بسزائی نهاد. در رساله های پیش از انقلاب مشروطیت سالیان در حدود ۳۰۰ هزار نفر از نقاط مختلف به خصوص آذربایجان، گیلان، خراسان برای کار به روسیه می رفتند. در حدود ۵٪ مجموع کارگران موسسات قفقاز و ۵۰٪ کارگران نفت باکو را کارگران ایرانی تشکیل

می دادند که در کلیه جنبش های کارگری نیز شرکت فعال داشتند. در آستانه انقلاب مشروطیت، در نتیجه اعتصابات وسیعی که در این مراکز صنعتی رخ داده بود، تعداد بسیاری از کارگران ایرانی که در این صنایع کاری کردند، اخراج شدند و به ایران مراجعت نمودند. بخشی از آنان که در مکتب مبارزات کارگری و سوسیالیست د مکراتیک روسیه پرورش یافته بودند، در انقلاب مشروطیت نیز فعالانه شرکت جستند و منشاء تأثیرات مهمی در جنبش های د مکراتیک و کارگری میهنمان شدند. انقلاب مشروطیت نیز که نقطه عطف درخشانی در مبارزات د مکراتیک توده های مردم علیه استبداد قاجار و سلطه جوئی استعماری انگلیس و روسیه تزاری بود، بنوبه خود توانست چشم انداز نوینی از اعتلای مبارزات د مکراتیک و کارگری را پیش روی زحمتکشان قرار دهد. باشکاف بزرگی که در پیوار ارتجاع قاجار در اثر انقلاب مشروطیت برداشت، موازین حقوقی و رشکسته فتوای نیز جای خود را به ضوابط انقلابی نوینی داد که در آن میان می توان از حق برکسزاری اجتماعات و جمععات صفوف و اقشار مردم را نام برد. این حق انقلابی، روند عینی شکل گیری نخستین تشکل های کارگری ایران را بنوبه خود تسریع کرد.

تحت چنان شرایط عینی و ذهنی بود که نطفه های وحدت سند یگانی کارگران ایران شکل گرفت و باور ورشد. بدین ترتیب در دومین سال پیروزی انقلاب مشروطیت اولین سند یگانی کارگری در تاریخ جنبش کارگری ایران ایجاد می گردید.

دوره اول (۱۳۰۴-۱۲۸۷)
جنبش سند یگانی در آغاز راه خود

انقلاب مشروطیت بنوبه خود زمینه مساعدی برای رشد و اعتلای جنبش کارگری فراهم نمود. نخستین واحد های تولیدی و خدماتی که کارگران آنها پیشا هنگام جنبش کارگری ایران و برچمداران مبارزه سند یگانی بودند، عبارت بودند از:

کارگران چاپخانه های نساجی ها، چیت سازی ها، کارگران واساز، بست و تلگراف، بندرگاه ها (به ویژه انزلی)، ماهیگیران، کاشها و... در این میان کارگران چاپخانه های تهران پیشگامان جنبش سند یگانی بودند. این کارگران از آگاهی طبقاتی بالایی برخوردار بودند (مقایسه با کارگران دیگر) برخورد آری بودند. اولین سند یگانی کارگری به وسیله "چاپخانه کوچکی" تهران در سال ۱۲۸۷ ایجاد شد و نخستین اتحادیه کارگری نیز به وسیله کارگران چاپخانه های تهران در سال ۱۲۹۰ به وجود

آمد. در همین زمان در شهرهای تبریز، انزلی و مشهد نیز اتحادیه های تشکیل شد.

محور اصلی مبارزه اتحادیه های کارگران در این زمان عبارت بود از:

۸ ساعت کار، بهبود شرایط کار، رسمیت دادن به اتحادیه ها و تثبیت قانونی حقوق اتحادیه ای، مبارزه با استعمار و ارتجاع داخلی، ایجاد جمهوری و حمایت از مبارزه زحمتکشان دیگر، بخصوص دهقانان به خاطر زمین.

شواهد تاریخی جاکي از آن است که کارگران ایران در همان نخستین گام های انقلابی خود، وحدت سندیکائی صفوف خود را از میرم ترین وظایف خویش می شمردند. طی سالهای نخستین انقلاب مشروطیت جنبش کارگری ایران در جهت پیشبرد مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری خویش گام های موثری به جلو برداشت و جنبش اعتصابی کارگران در مبارزه با ارتجاع قاجاری اولین تجارب پیروزمانند اش را به دست آورد. در فروردین ماه ۱۲۸۶ ملوانان خط دریا، انزلی - باکودست به اعتصاب زدند. چندی بعد کارگران گمرک و مستخدمین پست تبریز نیز اعتصاب کردند. در ۶ آبان ۱۲۸۷ کارگران کارخانه های چرم سازی تبریز که بالغ بر ۱۵۰ نفر بودند، دست به اعتصاب زدند. خواست های کارگران عبارت بود از:

بالا بردن دستمزد برای هر واحد محصول به مبلغ يك شاهی ونیم، بهبود شرایط کار، استخدام و اخراج کارگران با موافقت نمایندگان کارگران، برداخت مزد برای روزهای اعتصاب، عدم اخراج کارگران اعتصابی و عدم تعویص آنها به وسیله کارگران دیگر به هنگام اعتصاب، کارگران طی این مبارزات، وحدت بی سابقه و چشم گیری از خود نشان دادند و ضمن تشکیل سندوق اعتصاب، کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان انتخاب نمودند. این اعتصاب با موفقیت پایان یافت. مزد کارگران افزایش یافت و کارفرمایان پذیرفت که کارگران اعتصابی را اخراج نکند.

طی سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۴ جنبش سندیکائی ایران در اثر رکود عمومی جنبش انقلابی ایران و خیانت بورژوازی سازشکاره انقلاب، بطور موقت دچار افت نسبی شد ولی با شروع جنگ جهانی اول و اوج گیری جنبش دمکراتیک و رهائی بخش در ایران به ویژه در گیلان، تبریز، مشهد و شکست تزاریزم و پیروزی انقلاب کبیرا کبرویه ویژه تاسیس حزب کمونیست ایران در خرداد ۱۲۹۹ جنبش سندیکائی ایران نیز به تد ریح روه احیاء و اعتلاء نهاد و پایه های آن بیش از پیش تحکیم و تقویت شد.

در سال ۱۲۹۷ تحت رهبری اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران يك اعتصاب چهارده روزه در چاپخانه های تهران به وقوع پیوست.

این اعتصاب با موفقیت پایان یافت. از نتایج این اعتصاب هشت ساعت کار در روز و برداخت مزد اضافه کاری بود. این پیروزی که تحت هدایت و سازماندهی اتحادیه صورت پذیرفت، به عامل موثری در تسریع تشکیل اتحادیه های کارگری بدل گشت. در اواخر سال ۱۲۹۸ اولین انتخابات اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران انجام گرفت. محمد دهگان به سمت مدیر اتحادیه انتخاب گردید. محمد دهگان یکی از رهبران طراز اول و از پیشوایان اولیه جنبش کارگری - سندیکائی میهنمان بود که نقش شایان تقدیر او در برپائی اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران و تامین وحدت صفوف کارگران ایران قابل ذکر است. شکرالله مانی در کتاب "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" در توصیف شخصیت انقلابی و مبارز دهگان می نویسد:

"شاد روان دهگان اصلا دروای قفقاز تحصیلات خود را تحت سرپرستی مرحوم عبد الرحیم طالب اف که از نویسندگان بنام و آزاد یخواهان بزرگ صد مشروطیت بوده به پایان رسانده تمام کتب و آثار مرحوم طالب اف به قلم دهگان نوشته شده و چاپ گردیده است." جنبش کارگری - سندیکائی ایران در این سالها دوران اعتلاء و رونق خود را سپری کرد. گسترش کمی جنبش سندیکائی در این زمان تا بدان حد رسید که تا پایان سال ۱۲۹۸ بانزده اتحادیه کارگری در تهران به وجود آمده بود که نزدیک به هشت هزار عضو را در بر می گرفتند. اتحادیه های کارگران چاپخانه ها، نانوائیان، رفتگران، بارچه بافان، قنادها و بزازها از آن جمله بودند. در سال ۱۲۹۹ "شورای مرکزی اتحادیه های کارگران تهران" (اتحادیه مرکزی) تشکیل گردید که ۱۵ اتحادیه را در بر می گرفت این موضوع خود نشانه تحول کیفی جنبش کارگری سندیکائی ایران در این سال بود. تحول جنبش سندیکائی در تد او م خود منجر به وحدت اتحادیه های کارگری سراسر ایران و تشکیل "شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای" (اتحادیه مرکزی کل کارگران ایران) در سال ۱۳۰۰ شد. اتحادیه مرکزی کل علاوه بر اتحادیه های کارگری تهران، اتحادیه های شهرهای تبریز، رشت، مشهد، انزلی و قم را نیز در بر می گرفت و شامل اتحادیه های کارگران چاپ، کفاش، نانوائی، دواساز، ساختمانساز، دختانیات، چیت ساز، نساج، حمامی، ماهیگیر، رفتگرو کارگران پست و تلگراف و شاگردان نجار می شد. تعداد اعضای این اتحادیه ها تا سال ۱۳۰۴ بالغ بر ۳۰۰۰ / ۳۰ نفری شد و عده نمایندگان اتحادیه مرکزی بین ۳۰ الی ۴۰ نفر بود.

اتحادیه مرکزی نقش خود را در سازماندهی و رهبری جنبش کارگری - سند یگانی آن روز ایران به شایستگی ایفاء می نمود و عاملی قاطع در ریشبرد مبارزه کارگران به خاطر بهبود شرایط کار و زندگی و احقاق حقوق صنفی و رفاهی آنها بود. مبارزه سند یگانه برای تامین حداقل شرایط رفاهی در آن روزها اهمیت مبرم و اساسی داشت. چه وضعیت زندگی و کار کارگران بیسیار اسف بار بود. کارگران از نام تشام کاری کردند و در مقابل ۴ ساعت کار شبانه روزی ماهانه بطور متوسط ۸ تومان دریافت می داشتند. دستمزد به قدری نازل بود که کارگران به سختی می توانستند نان روزانه خود را تامین کنند. مسکن بسیاری از کارگران بیخوله های حواله های کارخانه ها، طویله های مخروبه و شترخانه های گوشه کاروانسراها بود. شکرالله مانسی که از جمله نخستین مبارزان جنبش اتحادیه ای بود، می نویسد:

"هیچیک از کارگران قادر نبودند لباس یا کفش و کلاه برای خود تهیه نمایند. ظاهر ما مثل گدایان کوچک گرد بود."

اتحادیه مرکزی کارگران برای بیان مشکلات و نظریات توده کارگران و طرح مسائل زحمتکشان و به ویژه دفاع از حقوق صنفی و منافع سیاسی کارگران ایران در سال اول تاسیس خود (۱۳۰۰) اقدام به انتشار روزنامه ای تحت عنوان "حقیقت" نمود که در واقع ارگان اتحادیه مرکزی محسوب می شد. این شعار در بالای صفحه روزنامه نقش بسته بود:

رنج بروی زمین اتحاد

این روزنامه در نتیجه توجه مستمر به مسائل مبرم مردم و سبک خاص نگارش، به زودی یکی از کثیرالانتشارترین روزنامه های مرکز شد. "حقیقت" پس از مدت کوتاهی به انتشار روزنامه پرداخت و دارای تیراژی در حدود ۴ هزار نسخه در روز بود. "حقیقت" همچنین خود اتحادیه نظریه نفوذ روزافزون سیاسی - اجتماعی شان بطور مداوم مورد هجوم ارتجاع و دست های اوباش و مزد و قرارداد اشت بطوریکه مانی می نویسد:

"ارتجاع، عده ای از اوباش و مزدوران بیسواد و با فروش های میدان و جمعی از کسبه مرتجع بازاریار جمع کرده، اتحادیه "پنج محل" تهران را علیه روزنامه حقیقت تشکیل دادند. مدتی جمعیت را برای سوزاندن روزنامه حقیقت تحریک و تشجیع می نمودند و تهیه حمله به اتحادیه مرکزی را می دیدند."

در چنان شرایطی تنها اتحادیه مبارزات سیاسی کارگران و مقاومت جمعی و متشکل آنها از طریق تجهیز سازمان های سند یگانی و اتحادیه ای و دفاع قاطعانه از ارگانگی که زبان گویایش بود می توانست وثیقه مطمئن دفاع از حقوق و منافع صنفی - سیاسی کارگران باشد.

با وجود آنکه دولت وقت حقوق سند یگانی کارگران را به رسمیت نمی شناخت و ورود سند اتحادیه ها را برای کارگران ممنوع اعلام کرده بود، کارگران همچنان در اتحادیه ها شرکت می جستند، اتحادیه های نوین تشکیل می دادند و برای تثبیت قانونی حقوق سند یگانی و اتحادیه ای خود بیکار مینمودند.

کارگران ایران علیرغم رشد کمی و کیفی محدود و با وجود آنکه پروتکل های صنعتی در کشور ما آنچنان که باید تکوین نیافته بود با تجهیز سازمان های صنفی - طبقاتی و تقویت سازمان توده ای، سراسری و گسترده خود یعنی اتحادیه مرکزی، در راه بهبود شرایط کار و زندگی طاققت فرسای خود مبارزه می کردند و به کامیابی های جدیدی نیز دست می یافتند. از آن جمله است اعتصاب ۲ روزه کارگران چیت سازی تحت رهبری اتحادیه کارگران چیت ساز در سال ۱۳۰۰ و اعتصاب کارگران نفت جنوب به خاطر افزایش دستمزد و به دست آوردن حق تشکیل اتحادیه در سال ۱۳۰۱. یکی از مهم ترین دستاوردهای اتحادیه های کارگری و بخصوص اتحادیه مرکزی برگزاری جشن اول ماه مه، روز نمایش همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان بود که برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ انجام گرفت.

اتحادیه های کارگری و بخصوص اتحادیه مرکزی در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه حضور و مشارکت فعال داشتند و تنها به خاطر افزایش دستمزد ها، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط دسوار کار خود مبارزه می کردند، بلکه پیگیرانه در مبارزه علیه سلطه جویی استعمار و ارتجاع داخلی و با خطر آزادی های سیاسی و حقوقی و مکراتیک نیز شرکت می جستند. از جمله هنگامی که ۱۴ روزنامه ترقیخواه که از جمله شامل روزنامه های "حقیقت" و "کار" ارگنان اتحادیه های کارگری مورد یورش ارتجاع قرار گرفتند و در حدود ۵۰۰ نفر از کارگران چاپخانه ها بیکار شدند، اتحادیه کارگران چاپ در یک جلسه فوق العاده تصمیم به اعتصاب عمومی گرفت. این اعتصاب به تنهایی خاطر بیکار شدن عده زیادی از کارگران چاپ بلکه در عین حال به منظور دفاع از آزادی های مکراتیک انجام گرفت. دولت نیز متقابلاً دستور دستگیری و بازداشت رهبران اتحادیه کارگران چاپ باقرنواهی، عبدالحسین گوشه ای و سید عبد الله اما مراد را صادر نمود، در مقابل، اتحادیه مرکزی کارگران طی جلسه فوق العاده به ریاست محمد هگانه همه اتحادیه ها و کارگران عضو آنها را به اعتصاب عمومی دعوت نمود. دولت وقت در برابر این تصمیم قاطع که بیانگر عزم استوار و وحدت اراده و عمل کارگران اتحادیه ها بود، مجبور به عقب نشینی شد و ضمن آزادی نمایندگان بازداشت شده، عموم جرایم توقیف

با پیروزی انقلاب اکتبر و استقرار نخستین دولت سوسیالیستی د روسیه، سیمای عمومی جهان د گرگون شد. امپریالیست ها که ابتدا می کوشیدند باد خالت نظامی و حمایت از ضد انقلابیون روسیه، حکومت جوان شوروی را سرنگون کنند، باشکست تلاش های خود به نقشه محاصره نظامی - سیاسی و اقتصادی اتحاد شوروی متوسل شدند. برای تحکیم زنجیر محاصره، به رژیم های مقتدر و متمرکز د کشورهای همسایه شوروی نیاز بود. رژیم ارتجاعی ایران نیز می توانست یکی از حلقه های مهم این زنجیر باشد سرکوب هلی وحشیانه جنبش های انقلابی و د مکراتیک گیلان، تبریز و خراسان، موجبات لازم را جهت تحکیم پایه های دولت مرکزی و استقرار یک د یکتاتوری وابسته به امپریالیسم فراهم آورد. کودتای سوم اسفند، عوام فریبی های سید ضیاءالدین و طرد بعدی او و سپس روی کار آمدن رضاخان و اعلام سلطنت او، د رسال ۱۳۰۴ را باید از این زاویه مورد ارزیابی قرار داد.

رضاخان از همان بدو و استقرار قدرت مرکزی، اقدامات ضد د مکراتیک خود را گسترش داد و یورش همه جانبه ای علیه حقوق و آزادی های د مکراتیک مردم و به ویژه سازمانها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه تدارک د ینکه د راین میان حزب کمونیست ایران - سازمان های اتحادیه ای طبقه کارگر از نخستین و مهم ترین اماج های آنها جم امپریالیسم انگلیس و رژیم ارتجاعی کارگزاران بود. امپریالیسم و ارتجاع د اخلی به خوبی می دانستند که سرسخت ترین دشمنان آنها، کمونیست ها و اتحادیه های کارگران می باشند.

آزمون های مبارزه طبقاتی و تجارب تاریخی بیانگر آنند که امپریالیست ها و عمالشان تا چه اندازه از کارگران متحد هراس دارند. تا این زمان علیه غم د خالت ها، توطئه ها و کارشکنی های کسول انگلیس و تلاش مذبحخانه مرتجعین د اخلی و اوپاش برای متلاشی کردن اتحادیه ها و تعطیل نشریات آنها اتحادیه های کارگری و د رراس آنها "اتحادیه مرکزی" همچنان قاطعانه و د رراه پیشبرد جنبش کارگری و د مکراتییک مبارزه کردند. تنها با به سلطنت رسیدن رضاخان (۱۳۰۴) و تحکیم پایه های رژیم استبدادی او بود که شرایط "قانونی" برای یورش های همه جانبه ارتجاع امپریالیستی و عمال د اخلی اش علیه جنبش سند یگائی ایران فراهم آمد. د رسال ۱۳۰۴ رضاخان دستور انحلال اتحادیه های کارگری را داد. طبق



آقای دهگان

گزارش رهبران "اتحادیه مرکزی" به چهارمین کنگره بین الملل "در پائیز ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به هنگام انتخابات مجلس، "شورای مرکزی اتحادیه های کارگری" (که عضو بین الملل سند یگانه ای بود) چهارانه منحل گشت و موقعیت این اتحادیه پس از خودداری رژیم از شناسایی آن به خطر افتاد.

سیفی (غلامزاده) از رهبران جنبش کارگری-سند یگانی ایران طی سخنرانی اش در چهارمین کنگره بین الملل سند یگانه ای سخنانی گفت:

"رضاشاه از همان نخستین روز تحصیل قدرت با جنبش انقلابی ایران و سازمان های کارگری از در مبارزه درآمده است. وی اتحادیه های کارگری را تعطیل می کند اگر چه این اتحادیه ها نه بر علیه جنبش ملی و دولت داخلی بلکه منحصرأ علیه یوغ انگلیس، علیه امپریالیسم انگلیس مبارزه می کنند. رضاشاه فعالیت های کارگری را به تمام وسایل سرکوب کرده و به دست خویش، کارگران و دهقانانی را که رهائی کشور را می طلبیدند، به دار آویخت."

پس از انحلال سند یگانه ها، رهبران جنبش سند یگانی تحت تعقیب و پیگرد های شدید قرار گرفتند. برخی مخفی گشته و تعدادی نیز زندانی شدند. اکثر فعالین اتحادیه ها را از کارخانه و محل کار خود اخراج نمودند. تعدادی از بهترین فرزندان طبقه کارگر ایران مانند سید مرتضی حجازی، محمد اسماعیلی، استاد غلامحسین نجار و ... در سیاهچالهای رژیم رضاخان به شهادت رسیدند. رژیم رضاخان روزنامه "حقیقت" ارگان "اتحادیه مرکزی" را توقیف نمود. گرچه روزنامه های "کار"، "اقتصاد" و "نامه پیکان" برای مدتی کوتاه جای "حقیقت" را برپا کردند ولی طولی نکشید که این نشریات نیز به همان سرنوشته گرفتار شدند.

با سرکوب جنبش سند یگانی، اتحادیه های کارمخفی روی آوردند و تحت شرایط دشواری جنبش کارگری ایران را رهبری می نمودند. ترور و پیگرد های وحشیانه، هیچ کدام نتوانست سازمان های اتحادیه ای و رهبران آنها را از مبارزه بیگیرانه به خاطر کسب حقوق صنفی-سیاسی شان بازدارد. آنها اعتصابات بزرگی را رهبری کردند.

در اواخر سال ۱۳۰۶ بخاطر ضعف اتحادیه کارگران نفت که در ۱۳۰۴ تشکیل شده بود، از طرف سازمان مخفی حزب کمونیست ایران در منطقه نفتی جنوب، کفرانس تشکیل شد. از اتحادیه های کارگری با شرکت ۲۰۰ نماینده برگزار شد. کفرانس تصمیم گرفت علیه نفاق و تفرقه ملی که از سوی کمانی نفتی انگلیس دامن زده می شد مبارزه کند و سازمان های

اتحادیه ای جنوب را توسعه بخشند.

در اواخر سال ۱۳۰۷ نیز کفرانس دوم اتحادیه های کارگران نفت جنوب تشکیل شد. این کفرانس علاوه بر تصمیمات سازمانی (وسط اتحادیه و غیره) خواستار تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب و همچنین تدارک اعتصاب اول ماه مه شد. کمانی نفت انگلیس برای ممانعت از حرکت متشکل کارگران ۳ نفر از فعالین و کارگران عضو اتحادیه را توقیف کرد و اعتصاب روز اول ماه مه را عقیم گذارد ولی کارگران چند روز بعد تصمیم خود را عملی کردند.

در چهارم ماه مه (۴ اردیبهشت) ۱۳۰۸ اعتصاب پرشکوهی با شرکت ۹۰۰۰ تن از ۱۰۰۰ کارگر مناطق نفتی انجام گرفت که سه روز ادامه داشت. خواست های کارگران در این اعتصاب عبارت بود از:

افزایش دستمزد تا ۱٪ به رسمیت شناختن اتحادیه های کارگری، به رسمیت شناختن روز اول ماه مه، تجدید نظر در قرارداد نفت و دخالت دادن نمایندگان کارگران در موارد اخراج و بایزدهای کارگر.

در این اعتصاب ۲۰ تن از کارگران مجروح و قریب ۳۰۰ تن بازداشت و زندانی شدند. اگرچه این اعتصاب با شکست مواجه شد ولی در تاریخ جنبش کارگری-سند یگانی ایران رویداد مهمی بود. این اعتصاب نقطه عطفی در تجلی نخستین بارقه های وحدت و تشکیک در صفوف نفتگران مبارز ایران بود.

در سال ۱۳۰۷ کارگران ساختمان راه آهن سراسری ایران در شمال، اتحادیه نیمه مخفی خود را تشکیل دادند. این اتحادیه در سال ۱۳۱۱ مبارزه اعتصابی کارگزاران راه آهن شمال را سازمان داد. این اعتصاب که بیش از ۸۰۰ تن از کارگران، ران شرکت داشتند با موفقیت پایان یافت. تا سال ۱۳۱۵ عدد کثیری از کارگران ساختمان راه آهن سراسری در شمال عضو این اتحادیه شدند.

در سال ۱۳۱۰ در کارخانه نساجی وطن اصفهان که یکی از مهمترین مراکز کارگری ایران بود، پس از آنکه به ابتکار سازمان مخفی حزب کمونیست ایران، کفرانسی از نمایندگان کارگران تشکیل شد، کارگران در اعتراض به شرایط سخت کار و سطح نازل دستمزدها دست به اعتصاب زدند. کارگران در این اعتصاب آنچنان وحدت اراده ای از خود نشان دادند که دیکتاتوری حاکم مجبور شد برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتصاب صاحبان کارخانه را وادار به تمکین در برابر بخش الزمات کارگران بنماید. در نتیجه ۴۰٪ به دستمزد کارگران افزودند.

۲ ساعت روزانه کارآنان به ۹ ساعت کاهش یافت و تفتیش کارگران متوقف گردید .

در سال های ۱۳۰۹-۱۳۰۸ نیز کارگران قالیباف مشهد تحت رهبری حـزب کمونیست ایران اتحادیه های نیمه علنی خود را به وجود آوردند . تمامی این شواهد بیانگر آن است که علیرغم حملات سبعانه دیکتاتوری حاکم، مبارزه کارگران بخاطر بهبود شرایط طاقت فرسای زندگی و احقاق حقوق دیکراتیک همچنان تداوم یافته و به رغم ضربات پیاپی و اعمال فشاره رهبران اتحادیه ها جنبش سندیکائی وسط دامنه نفوذ آن حتی در شرایط فعالیت مخفی سبب شد تا حکومت ارتجاعی رضاخان به دستاویز نا جوانمردانه دیکتاتوری متوسل شود .

در خرداد ماه سال ۱۳۱۰ "قانون سیاه" رضاشاه به منظور قانونیت بخشیدن به سرکوب و بیگرد فعالین جنبش کمونیستی - کارگری و رهبر کوبیدن سازمان های اتحادیه ای تصویب شد . از این زمان تا شهریور ۱۳۲۰ هم روند با تشدید ترور و اختناق در همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی دامنه سرکوب جنبش کارگری - سندیکائی نیز افزایش یافت . با این وجود اتحادیه های نیمه علنی و مخفی که در فاصله سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ به همت رهبران و فعالین جنبش کارگری و حزب کمونیست ایران تشکیل شده بود به فعالیت مخفی و محدودشان همچنان ادامه دادند .

در جمع بندی تجارب جنبش سندیکائی از دید ویدایش تا این زمان، رهبران جنبش بر این اعتقاد بودند که یکی از موانع اصلی انسجام و استحکام صفوف جنبش، فقدان برنامه و مشی صحیح و رهبران مجرب و کارآموده بود . است . کنگره چهارم بین الملل ضمن ارزیابی از جنبه های مختلف فعالیت جنبش سندیکائی در ایران تصریح نمود که :

" پیگرد های بی رحمانه اتحادیه ها و رهبران آن، توسط دولت رضاشاه که بنا به دستور عوامل انگلیس به مورد اجرا گذاشته می شد و همچنین سیاست نادرست برخی از رهبران سندیکاهای متبدیل سندیکاهای سازمان هائی صرفاً سیاسی به تضعیف و رکود جنبش سندیکائی ایران انجامید ."

بر این اساس کنگره چهارم بین الملل رهبران جنبش سندیکائی ایران را به تصحیح اشتباهات خود فراخواند و از آنان خواست که :

" الف - حد اکثر توجه را برای بهبود وضع اقتصادی کارگران مبذول دارند و مبارزه برای ۸ ساعت کار در صنایع اساسی . . . آغاز گردد .

ب - کارزار وسیعی برای روشننگری اقتصادی طبقه کارگر در باره اهمیت سندیکابه راه افتد .

ج - علیرغم همه مشکلات برای سازمان دادن وسیع ترین گروه کارگران ایرانی که

بیش از همه تحت سخت ترین شرایط توسط سرمایه داری خارجی استثمار می شوند (یعنی کارگران مناطق نفتی شرکت نفتی انگلیس و ایران) اقدام شود ."

اما تشدید جوترو و رخصت حاکم (نه ویژه پس از ۱۳۱۰) و تحکیم نسبی پایه های دیکتاتوری رضاشاه تا سال ۱۳۲۰ به رهبران جنبش کارگری - سندیکائی ایران فرصت نداد تا آموزش ها و رهنمود های دایمانه بین الملل سوم را در ریشبرد جنبش کارگری - سندیکائی به کارگیرند و سنت های مبارزاتی کارگران ایران را برپا تر و غنی تر سازند .

اعتدالی مجد د جنبش سندیکائی در ایران

(۱۳۲۰-۱۳۲۱)

با شعله و رشد ن آتش جنگ جهانی دوم و با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین و سرنگونی رضاشاه، تحولات سیاسی مهمی در ایران به وجود آمد . در هم شکسته شدن سد دیکتاتوری رضاشاه، فضای سیاسی جامعه را بالنسبه دیکراتیک کرد و مبارزات علنی و توده ای را در مقیاس گسترده ای امکان پذیر ساخت و جنبش کارگری - سندیکائی ایران پس از سالها رکود، بار دیگر مجال رشد و شکوفائی یافت . گسترش قابل ملاحظه صنایع داخلی (به ویژه در بخش دولتی) طی سالهای ۲۰-۳۱ موجب رشد کمی پرولتاریای ایران در سالهای آخر حکومت رضاشاه شده بود . بطوری که در آستانه جنگ جهانی دوم نزدیک به ۶۵۰ هزار کارگر در صنایع ایران مشغول به کار بودند . با سرکوب جنبش کارگری و سندیکائی و انحلال اتحادیه ها در فاصله سالهای ۳۱ تا ۳۲۰ امکان مبارزه سراسری، متنشکل و موثر طبقه کارگر در جهت بهبود شرایط کار روزندگی و در جهت مقابله با سیاست ارتجاعی ضد ملی حکومت رضاخان به حد اقل رسیده بود . این موضوع نیز از عوامل معینی بود که موجب شش در سالهای پس از ۱۳۲۰ شرایط زندگی کارگران و خیم و رقت انگیز گردید . با وجود آنکه هزینه زندگی در فاصله سالهای ۲۰-۳۱ به میزان دوبرابر افزایش یافته بود، دستمزدها کارگران بدون تغییر مانده بود . جنگ، احتکار اجناس توسط تجار بزرگ، و سیاست های اقتصادی مخرب که دولت داشت سبب تشدید این وضعیت فلاکت بار اقتصادی شد . اما علیرغم این شرایط اسف بار، جوانب امید بخش بسیاری نیز در این مقطع تاریخی وجود داشت و آن وجود فضای بالنسبه دیکراتیک جامعه و همچنین تجارب مبارزه سندیکائی کارگران جوانی که طی سال های ۲۰-۳۱ (یعنی در دوره خفقان) به کارخانه ها پا گذاشته بودند، بخش مهمی از کارگران ایران از مبارزات سه دهه گذشته و سالهای شکوفائی

جنبش کارگری - سند یگائی ایران، تجربیات ارزشمندی داشتند که این مسئله، عامل مهمی در تسریع روند شکل گیری مجدد تشکلات کارگری بود و از آنجا که این کارگران طی نخستین دوره اعتلا و شکوفائی جنبش متشکل کارگری به درستی آموخته بودند که تجهیزیه سازمان های اصیل اتحادیه ای ضامن موفقیت توده کارگران در مبارزه به خاطر احقاق حقوق صنفی - سیاسی شان است، جنبش سند یگائی توانست در آن بازسازی و احیای مجدد را با گام های بالنسبه سریعی پیماید. در رساله سال ۱۳۲۰ سند یگائی متعددی در واحد های مختلف تاسیس شد.

در سال ۱۳۲۱ "شورای مرکزی اتحادیه های کارگری" با مساعدت "حزب توده ایران" ایجاد شد که تا آخر همان سال تعداد اعضای آن با توجه به گسترش شعباتش به سی هزار نفر رسید. هر چند فعالیت اتحادیه ای طبقه کارگر ایران در آغاز دهه ۲۰ با مشکلات عینی چندی روبرو بود که این مشکلات بیش از هر چیز ناشی از شرایط زمان جنگ و همکاری دولت ایران با متفقین بود. در این سالها طبقه کارگر ایران وظیفه انترناسیونالیستی مهمی به عهد داشت و آن مبارزه با فاشیسم جهانی بود. کارخانه های اسلحه سازی و برخی کارخانه های دیگر برای رفع نیازمندی های متفقین کاری کردند لذا توقف کار در این واحد ها بیش از همه به سود جبهه فاشیسم بود. بنابراین احقاق حقوق صنفی - سیاسی کارگران می بایست به گونه ای سازمان می یافت که حتی المقدور اعتصاب و توقف تولید در این کارخانه طاراد نمی داشته باشد و این یکی از محظورات و مشکلات جنبش سند یگائی در این دوره بود. با توجه به این مشکلات "شورای مرکزی اتحادیه های کارگری" نیز سعی در اتخاذ سیاستی همشیرانه داشت ولی در مقابل، برخی از عناصر غیرمسئول و منحرفی که در راس "اتحادیه کارگران و سرزگران" قرار داشتند، می کوشیدند بدون توجه به این مشکلات و به قیمت پاسخگویی به ذنیت ها و تمایلات خود انگیخته توده کارگران مانان راه اتحادیه های خوش جلب نمایند.

این شیوه ای بود که بخصوص از جانب "اتحادیه کارگران و سرزگران" و "حزب رنجبیر" تحت رهبری "یوسف افتخاری" و بارانش اتخاذ می گردید و تا حد زیادی نیز مبتلا به اتحادیه های پیشروین کارگری و "شورای مرکزی" نیز شده بود. زیرا فشارهای کمزگن تورم و کمیابی کالاها وضع قدرتی خرید توده ها، مشکلات اقتصادی را احاد کرده بود. از این رو پاسخ به مطالبات صنفی، ضمن آنکه یک وظیفه ضروری برای اتحادیه ها محسوب می شد، ولی در همین حال می توانست زمینه عینی طرح انحرافی این مطالبات نیز باشد و برخی از سران اتحادیه کارگران و سرزگران نیز این انحرافات را وسیع باد امن می زدند. در رابطه

با این جو، "شورای مرکزی" نیز در برخی موارد سیاستش تحت الشعاع خواست های و حرکات خود انگیخته توده ای قرار می گرفت. با این همه، اتحادیه های انقلابی و "شورای مرکزی" با سر بلند ی از این آزمایش بیرون آمدند و با افشای پیگیرانه فعالیت های عوام فریبانه سران ارتجاعی اتحادیه ها گام های اساسی در جهت تامین وحدت سراسری سند یگائی به پیش برداشتند. این افشاکاری ها عموماً با مبارزه در راه تامین حقوق کارگران همراه بود. اتحادیه های پیشرو و انقلابی با در نظر گرفتن تقاضای روز افزون کالاها در بازار و افزایش بی رویه قیمت ها، کارفرمایان را مجبور به پذیرفتن مطالبات کارگران می نمودند.

در نتیجه اقدام متحدانه اتحادیه های کارگری در برخی از کارخانه ها، از جمله کارخانه های اصفهان، دستمزدها تا چهار برابر افزایش یافت و در شرایطی که قانون کاری وجود نداشت، کارگران موفق به کم کردن ساعات کار تا ۸ ساعت، گرفتن یک روز تعطیل در هفته و هر روز مرخصی سالیانه شدند. تحت چنین شرایطی، کارفرمایان مجبور به پذیرش اتحادیه های مترقی و اصیل کارگری شدند. این کامیابی ها مرکز توجه کارگران راه سوسی سازمان های اتحادیه ای واقعی آنها جلب نمود و موقعیت اتحادیه های ارتجاعی را متزلزل ساخت. نیروهای صریح و مبراز درون این اتحادیه ها که دیگره انحرافات موجود در رهبری تشکلات هایشان می برد، سرانجام سران غیرمسئول و منحرف را از اتحادیه های خود اخراج نمودند و آمادگی خویش را برای اتحاد با سازمان های مترقی کارگری در راس آنها "شورای مرکزی" اعلام نمودند.

پس از سقوط رضاشاه، علاوه بر "شورای مرکزی" و اتحادیه زیر رهبری "یوسف افتخاری" در اتحادیه دیگری نیز وجود آمد. موسسین این اتحادیه ها از فعالین سابقه جنبش کارگری - سند یگائی در سالهای قبل از ۱۳۲۰ بودند. این اتحادیه ها عبارت بودند از: "اتحادیه کارگران راه آهن ایران" و "اتحادیه زحمتکشان ایران".

در اوایل ماهه ۱۳۲۳ با وجود مخالفت های شدید "یوسف افتخاری" و همراهانش سه اتحادیه فوق و "شورای مرکزی" با یکدیگر متحد شدند و وحدت سند یگائی طبقه کارگر ایران را در چهارچوب "شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" پی ریختند.

"شورای متحد مرکزی" در آغاز فعالیت خویش بالغ بر ۵۰۰۰۰ عضو داشت که پس از مدت زمان کوتاهی توانست بیش از ۹۰٪ کارگران متشکل ایران را در صفوف خود گرد آورد. در مرکز این سازمان، شورائی مرکب از ۵ نفر قرار داشت که از میان آنها ۱ نفر

عنوان هیئت مرکزی و ه نفره عنوان د بیران انتخاب شد ند .

د رسال ۱۳۲۲ اتحادیه های دیگری نیز از جمله اتحادیه های کارگران نفت جنوب تشکیل شد که آنها نیز به "شورای متحد ه مرکزی" پیوستند .

د مقابل با گسترش کمی کارگران و اعتلا کیفیت سازمان های اتحادیه ای طبقه کارگر، سرمایه داران دولت ها (کابینه های) مرتجع وقت از هیچ توطئه ای علیه تشکل های کارگری فروگذارنی نکردند . یکی از شیوه های رایج آنان د مقابل با رشد اتحادیه های مبارز کارگری، ایجاد اتحادیه های "زرد" د برابر سندیکاهای انقلابی بود که برای نخستین بار د رایوان (با استفاده از تجارب ممالک سرمایه داری) د رسال ۱۳۲۳ د اصفهان اتحادیه فرمایشی تحت عنوان "اتحادیه کارگران و کارفرمایان" (!) تاسیس شد . همچنین "حزب- د مکران" قوام نیز سازمانی به نام "اتحادیه سندیکاهای کارگران ایران" که با علامت اختصاری "اسکی" معروف شد، تشکیل داد . هدف این اتحادیه های فرمایشی که با تکیه بر کارفرمایان و دولت مرتجع وقت سازمان می یافت، مبارزه علیه "شورای متحد ه مرکزی" و ایجاد تفرقه و چنددستی د ر صفوف متحد کارگران ایران بود . و اما یکبارچگی روزافزون صفوف مبارزاتی کارگران و پیگیری اتحادیه هاد رتامین حقوق صنفی - سیاسی کارگران علیه غلبه تشبثات عناصر و نیروهای ضد کارگری توانست د ستاورد های ارزنده ای برای جنبش کارگری ایران به ارمغان آورد .

د رسال ۱۳۲۳ د ولت مجبور شد لایحه قانون کار را تنظیم کرده و برای تصویب مجلس چهارم ارائه د هد . د ر این لایحه موارد زیر قید شده بود :

کار ۸ ساعت د ر روز

د هفته مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق

۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار

منع استفاده از کار کودکان تا سن ۱۲ سالگی

تامین بیمه های اجتماعی برای کارگران و کارمندان هر چند نمایندگان مرتجع مجلس که اکثریت را تشکیل می دادند مانع مذاکره بیرامون این لایحه شدند، لیکن ارائه چنین قانونی از طرف دولت، بیانگر توان مبارزاتی بالفعل اتحادیه هاد میزان رشد جنبش کارگری - سندیکایی و د رجه آگاهی کارگران نسبت به حقوق خویش بود .

گسترش سراسری تشکل های کارگری و ارتقای کیفیت سطح مبارزات اتحادیه ای د رایوان - د رسال ۱۳۲۳ و همچنین شکست های کمر شکن فاشیزم و بطور کلی مساعد تر شدن شرایط و

امکانات مبارزه کارگری و د مکرانیک، جنبش کارگری ایران را د ر عرصه مبارزات انقلابی و صنفی - طبقاتی خویش بیش از پیش فعال کرد .

کارگران به منظور کسب حقوق صنفی - سیاسی خود به مبارزه ای همه جانبه و بیگانه دست زدند تحت رهبری "شورای متحد ه مرکزی" نمایشات اعتراض آمیز وسیعی انجام گرفت مهمترین نمونه های مبارزات کارگری سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۲۵ از این قرارند :

اعتصاب اتحادیه کارگران ساختمانی تهران

اعتصاب رفتگران تهران

اعتصاب کارگران نساجی تهران

نساجی و چرم سازی آذریا جان و نساجی مازندران

اعتصاب ۲۰ هزار نفر از کارگران نساجی اصفهان اعتصاب کارگران نفت .

د ر باره نقش "شورای متحد ه مرکزی" د سازماندهی مبارزات صنعت نفت باید گفت :

که "شورای متحد ه مرکزی" د ر نگاه های شرکت نفت جنوب (که بدین نام اتحادیه جرم به حساب می آمد) موفق شد سازمانهای مخفی تشکیل د هد و د ر ریح کارگران را برای تشکیل اتحادیه وسیع تر (طنینی) آماده سازد . تا اینکه د رسال ۱۳۳۴ د امنه اتحادیه کارگران شرکت نفت به همه بنگاه های صنعت نفت کشید و شد و حق علنی بودن را بدست آورد .

د ر این سال ها کارگران نفت، مبارزه سختی را آغاز نمود و ضربه سنگینی بر بیکر امپریالیسم انگلیس وارد آورد . مهمترین اعتصابات نفت عبارت بود از :

اعتصاب متوالی کارگران نفت کرمانشاه د رسال ۱۳۳۴ .

آغا جاری د ر اردیبهشت ۱۳۲۵ .

اعتصاب کارگران نفت جنوب د ر تیرماه ۱۳۲۵ که بزرگترین اعتصاب کارگری ایران (تا آن زمان) بود . خواست عمده کارگران عبارت بود از :

۸ ساعت کار د ر روز .

عدم تبعیض بین کارگران همبایه ایرانی و خارجی .

یک روز مرخصی د هفته .

۵ روز مرخصی سالیانه

پرداخت حقوق ایام مرخصی

به رسمیت شناختن اتحادیه های کارگری

عدم دخالت شرکت نفت ایران و انگلیس در امور سیاسی و . . .

ولی "شرکت نفت انگلیس و ایران" فعالیت اتحادیه های کارگران را قاعدتاً اعلام کرد . توزیع آب آشامیدنی قطع شد رهبران کارگران توقیف و زندانی شدند . به دنبال این واقعه به دعوت "شورای متحد" کارگران تبریز، همدان، زنجان، شاهین و قزوین میتینگ های بزرگی برپا کردند . کارگران نفت سایر مناطق نفت خیز ضمن اعلام همبستگی با دیگر کارگران اعتصابی اعلام داشتند در صورت نپذیرفتن تقاضای کارگران آغا جاری، دست به اعتصاب عمومی خواهند زد . پس از ۱۱ روز مبارزه سرانجام دولت مجبور شد در برخورد همان سال قانون کار را تصویب کرده و دستور اجرای آن را صادر نماید . این قانون شامل مواد زیر نیز بود:

۸ ساعت کار روزانه

۲۴ درصد اضافه حقوق

حد اقل دستمزد به میزان ۴۰ ریال (روزانه) برای مناطق نفت خیز خوزستان ۳۰ الی

۳۵ ریال برای بقیه مناطق

تشکیل صندوق تعاونی بابت پرداخت ۳ درصد از حقوق (۱ درصد به حساب کارکنان)

و ۲ درصد به حساب کارفرمایان)
یک روز مرخصی سالیانه و قبول تعطیل رسمی کارگران در روز زاول ماه مه و پرداخت دستمزد آن روز .

شرکت نفت از اجرای قانون کار سر باز زد و وعده ای از کارگران نفت را اخراج نمود، به دنبال چنین عکس العملی، کارگران نفت تهران نیز دست به اعتصاب زدند . شرکت نفت انگلیس و ایران به منظور سرکوب جنبش کارگری، ناوگان جنگی خویش را به سوی آبادان روانه کرد و "اتحادیه قابل خوزستان" را که از عشایری تشکیل می شد که عمدتاً در رابطه با سرکوب جنبش های کارگری نفت توسط انگلیسی ها سازمان داده شده بود، با سلاح های جدید تجهیزش کرد ولی کارگران از این ناامنیستند . در ۱۱ تیر ۱۳۲۵ کارگران نفت آبادان اعتصاب کردند . در ۲۲ تیرماه ۱۳۲۵ اتحادیه کارگران نفت ضمن اعلامیه ای خواست های خویش را به شرح زیر اعلام کرد:

انفصال مصباح فاطمی (استاندار خوزستان و نوکر انگلیس از مقام استانداری)

خلع سلاح "اتحادیه عشایری خوزستان"

منع شرکت نفت از دخالت در امور داخلی ایران .

تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری .

الغاء شعبه سیاسی شرکت نفت و اخراج سران آن از ایران .

اجرای کامل قانون کار .

کمیته اعتصاب که از طرف شورای ایالتی اتحادیه های کارگران خوزستان انتخاب شده بود در ساعت ۵ صبح روز ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ به شرکت انگلیسی نفت اطلاع دادند که از صبح همان روز اعتصاب خواهند کرد . در این اعتصاب عمومی بیش از صد هزار کارگر شرکت داشت . دولت بلافاصله در آبادان اعلام حکومت نظامی کرد . نظامیان، پالایشگاه آبادان را اشغال کردند . زود خورد میان کارگران و نیروهای مسلح، اتحادیه عشایری و سربازان دولت شروع شد و کارگران قهرمانانه ایستادگی کردند . طی این مبارزات ۷ تن از کارگران به شهادت رسیدند و متجاوزان ۱۷۰ نفر زخمی شدند . نیروهای مسلح باشگاه های اتحادیه های کارگری را اشغال نمودند . کارگران سراسر کشور در مقابل این تجاوز به حقوق کارگران و زحمتکشان ساکت ننشسته، میتینگ ها و تظاهرات وسیعی در اعلام همبستگی با کارگران قهرمان نفت در سراسر کشور برپا کردند . به دنبال این سرکوب وحشیانه خونین هیئت مرکزی از معاون نخست وزیر وزیر - بازرگانی و نمایندگان شورای متحد مرکزی (رضاراد منش وجودت) به خوزستان اعزام شدند تا به وضع رسیدگی کنند . این هیئت توانست با طرح وعده رسیدگی به مسائل و مشکلات کارگران بحران اعتصاب را تخفیف دهد . بی آنکه این وعده های واهی تضمینی را به دنبال داشته باشد . دولت قوام و شرکت نفت انگلیس به جای تعهد به وعده های این "هیئت مجبه دستگیری و اخراج چند تن از رهبران و اعضای اتحادیه کارگری نفت پرداخت و بدین ترتیب با فروکش کردن این موج سرکش مبارزاتی در واقع بزرگترین حرکت اعتصابی کارگری (در تاریخ جنبش کارگری ایران) بجز اعتصابات عمومی ۵۷ درصد رهم شکسته شد و بایه های متزلزل دولت قوام، تعداد کمی نسبی یافت . اعتصاب عظیم خونین ۱۳۲۵ نفتگران، جای مهمی در تاریخ مبارزات کارگری ایران دارد . مطالبات این اعتصاب تنها به حوائج صنفی - طبقاتی کارگران محدود نمی شد بلکه علاوه بر آن و بطور بارزی دارای ابعاد ضد استعماری (علیه سلطه امپریالیسم انگلیس بر ایران) و ضد استبدادی (علیه دولت ارتجاعی قوام) بود .

بررسی همه جانبه و دقیق این حرکت مبارزاتی علاوه بر آنکه روشن کنند و مقطع مهمی از تاریخچه جنبش کارگری - سند یکائی ایران است علاوه بر آن که روشنگر برخی از جوانب تاریک جنبش ضد استعماری و ضد ارتجاعی خلق ایران است در عین حال حاوی رسها و تجارب ارزنده و ذی قیمتی

است از علل ضعف و قوت جنبش کارگری ایران و ظرفیت و توان مبارزاتی آن در مبارزه طبقاتی و رها بیخشن ملی . متأسفانه تا به امروز این حرکت مبارزاتی غنی و شکوهمند آنچنانکه باید مورد ارزیابی نقادانه و علمی قرار نگرفته است . روشن کردن هرچه بیشتر کم و کیف جنبش کارگری ایران در مقطع (۳۲ - ۱۳۲۰) و بویژه تحلیل علمی اعتصاب عظیم نفت (۱۳۲۵) با توجه به غنائی که تجارب متنوع این دوره از مبارزات کارگری در بردارد می تواند سرشار از آموزش ها و تجارب علمی ارزنده ، در مبارزه کارگری - سند یگانی بوده و در تعمیق و گسترش رابطه اصولی میان مقوله حزب و مقوله اتحاد به کام موثری باشد . آنچه که تاکنون در این رابطه نوشته شده است ، یا یکسره مالا مال از تحریف و تخطئه است و یا به اقتضای مصلحت طلبی های گروه گرایانه همچنان در محاق ایهام باقی مانده است . شکست جنبش ملی و مکر اتیکند رآذ ریاچنان و کردستان و تضعیف جود مکراسی در ریحیات سیاسی جامعه به نوبه خود موجبات تضعیف اتحاد به های کارگری را فراهم آورد .

امپریالیسم و دولت ارتجاعی قوم ، به مراتب ها رتر از گذشته شدند و به هرچه که نشانی از استقلال طلبی و آزاد یخواهی داشت گستاخانه حمله بردند . بخشی از امکانات علمی اتحاد به ها از آنها سلب شد و متعاقب آن " شورای متحد " نیز اتحادی تضعیف گشت به دنبال آن عناصر مرتزقل و فرصت طلب نیز به اتحاد به ها پشت کردند که این امر از جنبه های مثبت بود زیرا تصفیه عناصر مرتزقل از صفوف جنبش کارگری سند یگانی تاحدی به بازسازی و تحکیم اتحاد به ها و تقویت خلوص انقلابیشان کمک کرد . به هر حال بر روی دستاورد های مبارزاتی اتحاد به ها در سالهای ۲۷ - ۱۳۲۰ نشان می دهد که :

اتحاد به های کارگری در طول هفت سال فعالیت علمی شان به رشد کمی و کیفی بی سابقه ای نائل آمدند ، در راه اتحاد با هقانان کام های اولیه ای بنبرد اشتند ، کار فرمایان را مجبور کردند حقوق اتحاد به ها را به رسمیت بشناسند ، قانون کار ۸ ساعت کار روزانه و بخشی از مهمترین حقوق صنفی - سیاسی را رسمیت دادند سنت بزرگداشت اول ماه مه را رونق فراوان و اعتباری نوینی بخشیدند و بالاخره کارگران را علیه سیاست های استعمار انگلیس بخصوص علیه سیاست های راهزانه شرکت نفت انگلیس بسیج کردند و تشکیلات اتحاد به ای را به سلاح کارگران در مبارزه علیه فاشیزم ، ارتجاع و وابستگی و همچنین مبارزه به خاطر صلح ، دموکراسی و استقلال ملی بدل کردند . امپریالیسم و ارتجاع نتوانست بیش از این فعالیت اتحاد به ها را تحمل کند و کمره فروپاشی آن بست . در سال ۱۳۲۷ با اعلام انحلال " شورای متحد " از جانب رژیم شاه و مسائل ارتباط جمعی دولتی ، اوپاش

و مرتجعین و وابستگان امپریالیسم انگلیس و آمریکا نوك حملات خویش را متوجه اتحاد به نمودند . با وجود این قادیه اضمحلال اتحاد به ها نشدند .

بطور کلی جنبش سند یگانی ایران در سالهای ۲۷ - ۱۳۲۳ رونق و اعتلای چشمگیری داشت در این رابطه فراگیر شدن مبارزات اتحاد به ای وسیعی که کارگران در پیشبرد مبارزات صنفی - طبقاتی و ملی داشتند قابل تاکید است . به جرات می توان گفت که جنبش ملی نفت را بیش از هر چیز ، مبارزات کارگری و سند یگانی ایران پی ریزی کرد . این نکته ای است که باید کم و کیف آن را در فرصتی دیگر دقیقاً مورد بررسی قرار دهیم .

و اما ارتجاع و امپریالیسم با پی بردن به نیروی تشکیلاتی و توان مبارزاتی طبقه کارگر احساس خطر نمود ، با نژاد یک شدن پایان جنگ به جان شورای متحد و مرکزی افتادند . دوران سرکوب اعتصابات و توقیف و بازداشت فعالین اتحاد به ها آغاز گشت . تا اینکه در بهمن ۱۳۲۷ رژیم شاه همزمان با غیرقانونی کردن حزب توده شورای متحد و مرکزی کارگران ایران را نیز منحل اعلام نمود .

در دوره دولت قوام ، " حزب دمکرات " مذبحخانه تلاش کرد ، اتحاد به ای تحت عنوان " اتحاد به سند یگانی کارگران ایران " تاسیس نمود و آن را به عنوان نمایندنده واقعی کارگران ایران به محافل جهانی معرفی نماید . ولی این تلاش نقش بر آب شد و " فد راسیون سند یگانی جهانی " (فد راسیون جهانی اتحاد به های کارگری) در سال ۱۳۲۶ شورای متحد و مرکزی را به عنوان یگانه نمایندنده کارگران ایران به رسمیت شناخت . و این گام ارزنده و موثری بود در راه اتحاد و همبستگی طبقه کارگر ایران با کارگران سراسر جهان شورای متحد و مرکزی به خاطر تحکیم همبستگی بین المللی از اتحاد به های کارگری شوروی ، انگلیس و فرانسه دعوت به عمل آورد که قبل از همه نمایندگان اتحاد به های شوروی به ایران آمدند و مورد استقبال پر شور کارگران ایرانی قرار گرفتند . شورای متحد و مرکزی ، یک ارگان مرکزی به نام روزنامه " ظفر " منتشر می کرد . این نشریات کارگران را با مسائل صنفی - سیاسی قوانین سند یگانی مسائل بین المللی و ... آشنایی نمود و در آشنا ساختن طبقه کارگر به وظایف و امکانات خویش نقش مهمی بازی می کرد .

بدین لحاظ همچون خاری بود در چشم مرتجعین و امپریالیست ها .

در سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ سالهای تجدید آزادی های دمکراتیک و فوروکسشن نسبی مبارزات اتحاد به ای بود سرمایه های ملی که در فاصله سالهای ۲۷ - ۱۳۲۰ به نحو قابل توجهی رشد کرده و انباشته شده بود ، عرصه مساعدی جهت فعالیت داشتند .

بزرگترین علت آن ورود بی رویه کالا های خارجی و سیاست های اقتصادی ضد ملی رژیم بود . این امکان رشد سرمایه ملی را تضعیف می نمود . بحران اقتصادی (به ویژه در صنایع) بیکاری فقر و افزون و تورم و گرانی ، روه فزونی نهاد . کارفرمایان به واسطه تشدید رکود اقتصادی بر رفتار خویش نسبت به زحمتکشان افزودند . بوزوازی ملی و خرد و بورژوازی باورشکستگی روبرو بودند . حمایت از صنایع ملی کشور شعار کلیدی نیروهای ملی بود در طول این دو سال ، هر چند ارتجاع توانست با تضعیف جنبش سندیکایی رشد فزاینده و یکپارچه آن را کند نماید . ولی قادر نشد جنبش کارگری و دموکراتیک را مدت طولانی به بند کشد . در طی این دو سال ، ناراضی های عمومی شلست می یافت و زمینه وجود حرکات اعتراضی متعدد ولی پراکنده در اکثر واحدهای تولیدی ، که تحت رهبری سندیکاهای شکل می گرفت موجد این نظریات .

از اوائل سال ۲۹ (در آستانه اعتلای جنبش ملی) اعتصابات و نمایشات قدرتمند کارگران ایران که خصلت صنفی - سیاسی بارز داشت به سرعت با گرفت . در همین سال بیش از ۲۰۰ اعتصاب کارگری انجام پذیرفت . هر یک از این اعتصابات ضربه ای بود که بر بیکر ارتجاع و امپریالیسم وارد می آمد . یکی از ویژگی های اساسی و بارز اعتصابات کارگری این دوره (که خود از نشانه های نوید بخش شکل گیری یک جنبش ملی بود) حمایت فعال و عملی کلیه اقشار و طبقات ملی از اعتصابیون بود . هر جا که کارگران بیامی خاستند ، دانشجویان ، محصلین ، پیشه وران و دهقانان . . . به پشتیبانی شان می شتافتند .

در این دوره ، وحدت سندیکایی تا حدی ضعیف گشته بود و جنبش کارگری - سندیکایی ایران از رهبری صحیح و سیاسی اصولی و پرولتری بی بهره بود و همچنین " حزب توده ایران " از درون و بیرون ضربات سنگینی خورد و فاقد سیاست و رایز لازم جهت هدایت جنبش پرولتری بود . این عوامل دست به دست هم داده و موجب شد که جنبش کارگری - سندیکایی ایران نتواند اعتراضات متعدد و پراکنده خود را بطور یکپارچه بسیج و متشکل ساخته و در راستای یک سیاست انقلابی و اصولی کانالیزه نماید . و اما مهمترین حرکات مبارزاتی این دوره را می توان چنین برشمرد :

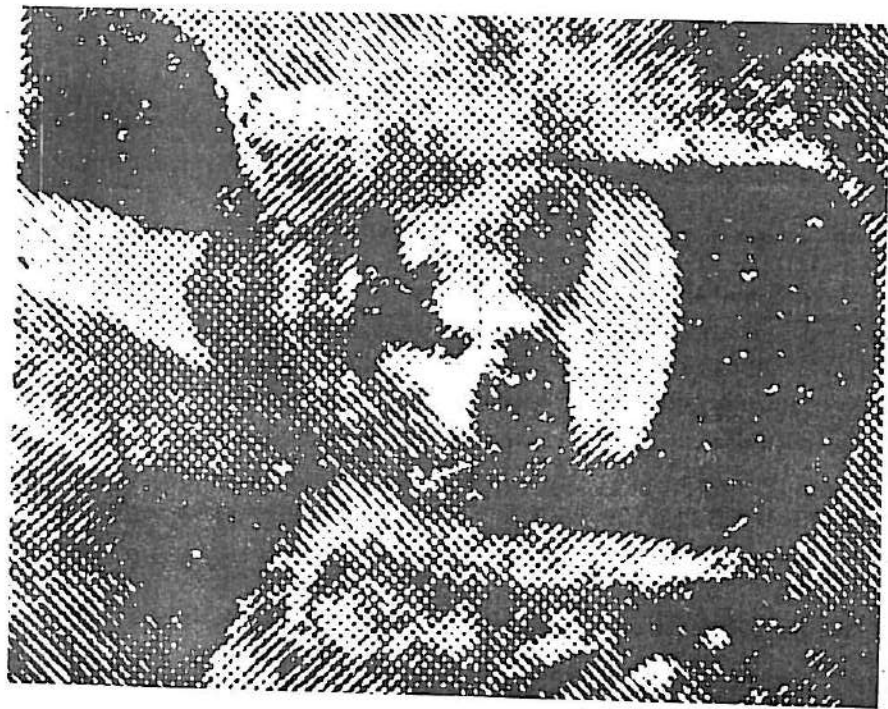
و پیگیرانه بود ، دست نخواهند کشید . کارگران شاهی نیز برای احقاقی حقوق خود در بهار سال ۱۳۲۹ دست به اعتصاب بزرگی زدند که از حمایت همه جانبه مردم شهر برخوردار شد . نیروهای دولتی در اردیبهشت این اعتصاب را با آتش گلوله پاسخ دادند که در اثر آن بنا به اظهارات مقام رسمی دولت ۵ کارگر کشته و تعدادی زخمی شدند . کارگران رسیدگی سمنان در تابستان ۱۳۳۱ به تعطیل شدن کارخانه اعتراض نمود و وطنی اعتصابی افتتاح مجدد آن را مطالبه کردند . پیشه وران و مردم شهر از کارگران حمایت نمود و با زار را تعطیل نمود و در بیکر میتینگ ده هزار نفری شرکت کردند . دولت به جای تامین حقوق کارگران به سر نیزه متوسل شد که طی آن در ۱۳ شهریور ۵ کارگر شهید شدند و تعدادی نیز زخمی شدند . این حق کسی و کشتار ، انزجار مردم ، به ویژه کارگران را برانگیخت . در ۱ شهریور ۳۰ سندیکای کارگری تهران طی جلسه ای ، از کارگران سمنان پشتیبانی به عمل آورد . در دی ماه ۱۳۳۱ یکی از کارگران مبارز کاش به دست گروه هاشمی فاشیستی به شهادت رسید . در اعتراض به این ترور جنایتکارانه تمام کارگاه های کاشی تهران در ۲۰ دی ماه برای یک روز دست به اعتصاب عمومی زدند و نزدیک به سه هزار کارگر بر مزار این کارگر رزمند گرد آمدند در این اجتماع کارگری نمایندگان سندیکاهای کارگران راه آهن ، سیلو ، چاپخانه و دخانیات و . . . شرکت کرده و اتحاد عمل خویش را به نمایش گذاشتند .

در بهمن ۱۳۳۱ کارخانجات کبریت سازی ممتاز نساجی ظفر و کلکته چی در تبریز دست به اعتصاب زد و ضمن برشمردن خواست های صنفی سیاسی خویش خواهش را از آزادی جنبش سندیکایی شدند در اول فروردین ۱۳۳۰ چند روز پس از روی کار آمدن علاء کارگران بندر معشوره مدت دو هفته اعتصاب کردند و این اعتصاب که از پشتیبانی کامل اهالی شهر برخوردار بود به خونریزی میان نیروهای دولتی و کارگران انجامید کارگران قهرمان نفت ، نقش برجسته ای در ملی شدن صنعت نفت ایفا نمودند . نفتگران شجاع آبسردان در فروردین ۱۳۳۰ اعتصاب ۲ روزه ۴۰ هزار نفره ای بیاد داشتند . اهالی شهر و کارگران اصفهان و تهران از این اعتصاب قاطعانه حمایت کردند . در حالی که فرماندهان مرتجع دستوراتش داده بودند نیروی مسلح از تیراندازی به سوی اعتصابیون خودداری کردند . روح مقاومت کارگران و همبستگی مردم پوزه کمیانی نفت انگلیس را به خاک مالید . این اعتصاب پیروزمند از رویداد های مهم جنبش کارگری ایران بود . در خرداد ۱۳۳۰ بر فراز موسسات شرکت نفت پرچم ایران به اهتزاز درآمد و تابلوی " شرکت نفت ملی ایران " به جای شرکت

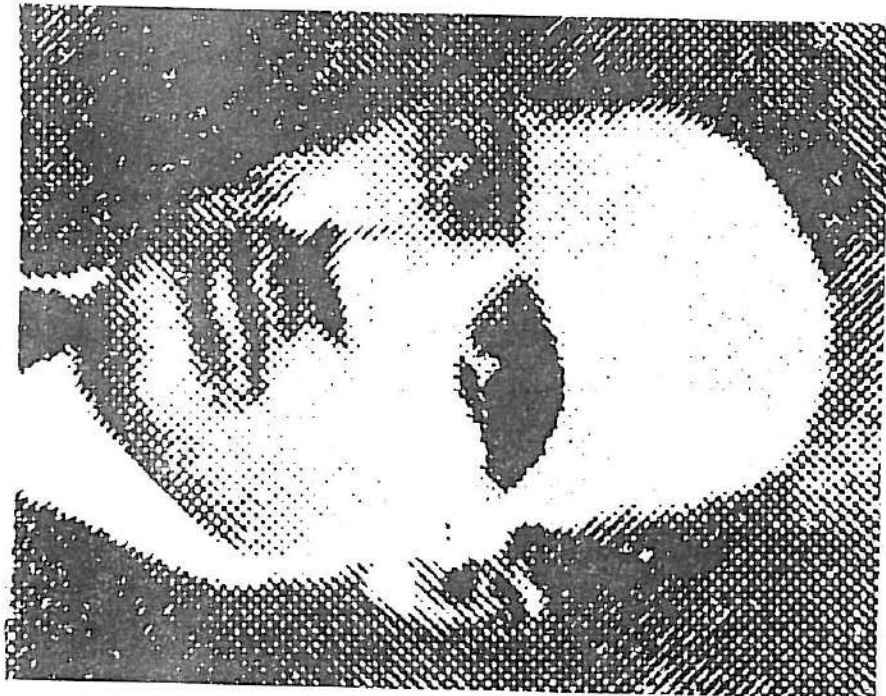
نفت انگلیس و ایران زینت بخش واحد های نفتی شد حرکات کارگری نفت در طول این سالها
 توأم با خونریزی و سرکوب بود. مدت ها خوزستان در حکومت نظامی به سر می برد و خط
 هجوم نظامی امپریالیسم انگلیس، میهن ما را تهدید می کرد. در این شرایط دشوار جنبش
 انقلابی میهن ما و به ویژه مبارزات کارگران ایران از همبستگی و حمایت پرولتاریای جهان
 و به ویژه کشورهای سوسیالیستی برخوردار بود. در سال ۱۳۳۱ " فدراسیون سند یگایی
 جهانی " ضمن ابراز همدردی با کارگران ایران اعلام کرد:

" فدراسیون سند یگایی جهانی به حوادثی که در کشور شما جریان دارد مانند تظاهرات
 ضد استعماری، اعتصابات زحمتکشان آبادان و تهران و اصفهان با توجه و علاقه بسیاری
 می نگرد. فدراسیون جهانی به نام هشتاد میلیون کارگرانی که در صفوف آن متمسک
 گردیده اند، به خلق و زحمتکشان قهرمان ایران که با فعالیت نیرومند خود علیه فـقـر،
 امپریالیسم و ارتجاع قاطعانه مبارزه می کنند، صمیمانه درود می فرستد "

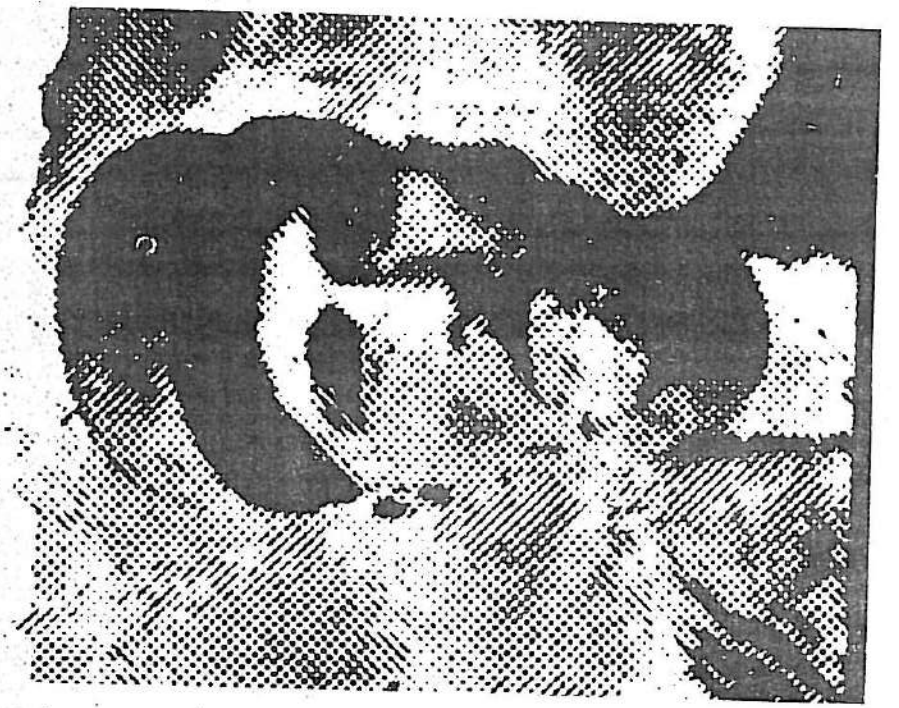
چنانکه سیر جنبش کارگری - سند یگایی این دوره (دهه ۲۰) نشان می دهد " شورای
 متحد مرکزی " علیرغم مجاهدت های بیگیرانه اش آنچنانکه باید نتوانست مبارزات
 سند یگایی را تحت رهبری سازماندهی، یکپارچه و هماهنگی قرار دهد و سیاست منسجم
 و متین به پیش برد. علت آن را باید نه تنها در سانس ضد انقلابی و ضد کارگری امپریالیسم
 و ارتجاع داخلی بلکه در عین حال در ضعف و خطاهای رهبران جنبش ملی (دولت مصدق)
 و همچنین " حزب توده ایران " جستجو کرد. حکومت دکترومصدق متأسفانه از تحکیم
 جنبش کارگری که مهم ترین متضمن تعمیق جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق است،
 نه تنها پشتیبانی لازم را به عمل نیاورد، بلکه با میدان دادن به تحریکات مرتجعیه
 و سازشکاران موجبات تضعیف و انفراد آن را نیز فراهم آورد. در کابینه دولت مصدق
 عناصر ضد کارگری ضد کمونیست کم نبودند. دکترومصدق قانون آزادی احزاب و سند یگاها
 را به اجراء نیاورد و حتی برخی از اعتصابات را که در راستای جنبش ضد امپریالیستی
 رخ می داد، نیز مانع می شد. در سراسر مدت زمانداری وی، اتحادیه ها همچنان ممنوع
 بودند. در شرایطی که سردمداران جنبش ملی، سلاح مبارزاتی زحمتکشان را کندی کردند،
 دست نیروهای ضد انقلابی در اجرای سانس ضد کارگری و ضد سند یگایی بازگذاشته
 می شد. در سالهای استقرار حکومت ملی، برگزاری جشن اول ماه مه ممنوع اعلام شد. سیاست
 دولت مصدق حتی به سران نظامی توطئه گرامکان می داد به دلایل واهی و با مسـئـلـه
 هواداری از مصدق، کارخانه ها را به اشغال درآوردند تا " اعتصابات در آنها صورت نگیرد. "



ایستادن کارگران



جشن اول ماه مه



استاد مصدق



باقر لاری

د رآد رودی سال ۳۱ کارخانجات و موسساتی نظیرد خانیاث جیت سازی تهران و ری ، سیلو، راه آهن و بی سیم د راشغال نظامیان بود و این وضع د برخی از کارخانجات حتی تا ۲۸ مرداد نیز ادامه یافت . حال آنکه طبقه کارگر ایران د آن شرایط علیرغم فشارهای اقتصادی به اعتبار آگاهی سیاسی و شناختی که نسبت به وظیفه انقلابی خویش د دفاع از حکومت ملی مصدق و تثبیت د ستاورد های جنبش ملی داشت عموماً از توسل به حربه اعتصاب و کم کاری بهره‌رزی کرد و مساعی خود را معطوف به تد اوم تولید و افزایش بازدهی کاری کرد . مطابق شواهد موجود د چند ماهه قبل از کودتای ۲۸ مرداد، اعتصاب مهمی د ر واحدهای تولیدی رخ نداد .

به هر حال ضعف ها و خطاهای د ولت مصدق د ر تشدید پراکندگی د رونی تشکل های کارگری و تفرقه د ر صفوف خلق و تقویت ضد انقلاب سهم داشت .

" حزب توده ایران " نیز علیرغم خد ماتی که د رجعت تلبین وحدت سند یکائی کارگران (طی د هه ۲۰) نمود ، بنوبه خود و متقابلاً د ر تضعیف رشته های پیوند جنبش کارگری و جنبش ملی ، خطاهای د ولت مصدق را تشدید و تکمیل می کرد . د ر ک مخدوش و غیر اصولی " حزب توده ایران " از چگونگی رابطه میان جنبش کارگری و جنبش ملی ، د ر تضعیف تشکل های کارگری د رساله های زمانه د اری مصدق اثر گذار است . نتایج ضعف تشکل های کارگری را به ویژه د ر حرکات اعتصابی از هم گسیخته و غیر متشکل کارگری د رساله های پس از کودتا (سالهای ۳۲ تا ۳۷) بخوبی می توان دید . آری ، از مدتها پیش از آنکه ضربات وحشیانه کودتاگران بر پیکر تشکل های کارگری فرود آید ، آنها از د رون آسیب پذیر شده بودند . طی ایستادن د وره از جنبش سند یکائی (۳۲ - ۲۹) دشمنان طبقه کارگر و خلق برای د ر هم شکستن اراده واحد کارگران و زحمتکشان و منحرف کردن مبارزات سند یکائی سیاست ایجناد سند یکا های زرد و فرمایشی را د ر ریش گرفتند .

" حزب زحمتکشان " بقائی به اصطلاح اتحادیه ملی تشکیل داد . " اتحادیه سند یکا های کارگران ایران " (اسکی) که به ماهیت ضد کارگری آن قبلاً اشاره کردیم ، بر فعالیت خرابکارانه خویش بیش از پیش افزود . این اتحادیه های فرمایشی د ر بسیاری از چماق کبی ها و اغتشاش آفرینی ها علیه جنبش سهم فعال داشتند و راه را جهت پیشبرد د سانس امپریالیستی و بیروزی کودتای سیاه ۲۸ مرداد هموار می کردند . تجربه سالهای ۲۹ تا ۳۲ جنبش کارگری و جنبش ملی نشان داد که تضعیف وحدت سند یکائی طبقه کارگر ایران (توسط نیروهای ملی و مترقی) و عدم توجه به رابطه اصولی میان جنبش ملی و جنبش

کارگری در مبارزه ضد امپریالیستی - د مکرراتیک تاجه اند ازه می تواند موجبات تقویت نیروهای ضد انقلابی را فراهم آورد و دستاورد های انقلابی زحمتکشان را بر باد دهد .
 دوره چهارم دوره سرکوب جنبش ملی ، فروپاشی تشکل های کارگری ، پراکندگی صفوف مبارزاتی کارگران ، تثبیت حکومت کودتا و تصویب و اجرای ارتجاعی ترین قوانین کارگری - سند یگانی است . این دوره که طولانی ترین دوره رکود در تاریخچه جنبش سند یگانی ایران است با کودتای ۲۸ مرداد آغاز می شود و صرف نظر از دوره کوتاه تنفس جنبش (سالهای ۴۲ - ۴۹) تا انقلاب بهمن ۵۷ طول می کشد . مادراینجامختصات تاریخی دوره هفت ساله ۳۲ تا ۳۹ را که از لحاظ سرنوشت تشکل های کارگری اهمیت ویژه ای دارد ، مرور می کنیم .
 مهمترین ویژگی های تاریخی جنبش کارگری سند یگانی این دوره (۳۹ - ۳۲) عبارت است از:

- ۱- فروپاشی تشکل های صنفی - سیاسی کارگران (سند یکاها و اتحادیه های کارگری)
 - ۲- تصویب قانون کار ارتجاعی و تشکیل سند یکاهای فرمایشی (سالهای ۳۷ و ۳۸)
- لازم است هریک از مختصات فوق الذکر را بطور اختصار مورد بررسی قرار دهیم :

۱- چگونگی فروپاشی تشکل های سند یگانی و کیفیت مبارزات سیاسی این دوره

کودتای ۲۸ مرداد که توطئه مشترک امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی و ارتجاع داخلی به سرکردگی دربار پهلوی علیه جنبش ملی و د مکرراتیک مردم ایران بود ، با سرنگون کردن دولت ملی مصدق دستاورد های انقلابی زحمتکشان را بطور همه جانبه ای مورد یورش و تهاجم قرار داد . پیگرد ، بازداشت شکجه و اعدام کمونیست ها و برخی از مبارزان اتحادیه ای که بیانگر نفرت و هراس عمیق امپریالیسم و ارتجاع داخلی از جنبش کارگری ایران بود آغاز شد . اما علیرغم موج سرکوب و ترور و تهاجم وحشیانه رژیم کودتا که تاثيرات مخرب و ویرانگرش پیش از همه بر جنبش کارگری - سند یگانی ایران به جا گذاشت ، مشعل مبارزات صنفی - سیاسی کارگران در آن سالهای تیره و سیاه همچنان روشن ماند ، هرچند که این نکته را نیز نباید از یاد برد که مبارزات اعتصابی پس از کودتای ۲۸ موعده تغییرمتشکل و فاقد رهبری آگاه بود . در

فاصله سالهای ۳۲ و ۳۳ کارگران کارخانه های کبریت سازی همدان ، نساجی اصفهان ، کوره پزخانه های تهران ، بناد رخلیج فارس و تعدادی از کارخانجات رشت چالوس و تبریز به خاطر بهبود شرایط کارشان دست به اعتصاب زدند . کارفرمایان زیرچتر حمایت رژیم کودتا درصدد بودند مواضع از دست رفته را بازستانند و دستاورد های کارگران (د رزمینه حقوق صنفی شان) را که محصول مبارزات مستمر و متشکل آنها در دهه ۲۰ بود پایمال کنند ، هرچند جنبش اعتراضی و مقاومت جویانه کارگران به خاطر تلاشی سازمان های اتحادیه ای شان از انسجام لازم برخوردار نبود ولی دست اندازی ضد انقلابیون به حریم دستاورد های مبارزاتی کارگران نیز نمی توانست بی پاسخ بماند . از این رو طی سالهای ۳۲ به بعد شاهد مبارزات اعتصابی متعددی که حاکی از مقاومت های بیگروانه توده کارگران علیه متجاوزین به حقوق صنفی شان است هستیم . در فاصله سالهای ۳۴ تا ۳۷ علیرغم تشدید سلطه تروریستی رژیم کودتا ، جنبش طبقه کارگراز حرکت باز نایستاد ، در مرداد ۳۴ تا ۳۳ د ر نخستین سال سیطره کسرسیوم نفتگران آبادان دست به اعتصاب زدند . کارگران از سرنیزه های آمریکایی و انگلیسی رژیم کودتا نهراسیدند و دست به یک سلسله اعتصابات متوالی زدند ، طی آن خواستار کسب حقوق پایمال شده و خویش گشتند رژیم شاه در مقابل ، اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد و به سرکوب آن مبادرت نمود تعدادی از فعالین اعتصاب دستگیر و زندانی شدند . اعتصاب های دیگری نیز در نقاط دیگر کشور از جمله در تهران در کوره پزخانه ها ، سیمان و معادن رباط کریم روی داد . در سال ۳۷ سختی شرایط کار و زندگی ، اجحافات روز افزون و گسترش جواختناق و ترور حاکم بر موسسات تولیدی طبقه کارگر را به واکنش های اعتراضی وسیعتری واداشت در این میان کارگران کارخانجات اصفهان به کرات دست به اعتصاب زدند ، کارگران خط لوله نفت جزیره خارک به عنوان اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار اعتصاب کردند و کارگران بندر شاهی پور به مدت ۵ روز دست از کار کشیدند . در همین سال در تعدادی از کارخانجات تبریز نساجی شهرری و کوره پزخانه های تهران اعتصابات متعددی به وقوع پیوست . در ۲۳ فروردین ۳۷ اعتصاب بزرگ ۱۲ هزار راننده تاکسی رخ داد . در سال ۳۸ جنبش اعتصابی کارگران گسترش تازه ای یافت و بر سببیت رژیم ارتجاعی کودتا نیز در برابر مبارزات اعتصابی افزوده شد . در فروردین ماه ۳۸ کارگران ریسباف تهران به خاطر بهبود شرایط کار دست از کار کشیدند . در اردیبهشت ماه کارگران گستاگاه تهران و معادن سنگ حومه تهران اعتصاب کردند در خرداد ماه ۳۰ هزار تن از کارگران کوره پزخانه های تهران علیه شرایط

رژیم ارتجاعی شاه که بر تجارب تلخ خود در دهه ۲۰ (ده رونق و اعتلای جنبش کارگری - سند یکائی) متکی بود و از تجارب امپریالیسم و ارتجاع جهانی و همه دشمنان آشکار و پنهان جنبش کارگری در مقیاس بین المللی بهره می برد به خوبی دانست که تجهیز طبقه کارگر به سازمان های اصیل سند یکائی به معنای تجهیز دشمن آشتی ناپذیرش به یکی از برادران حربه های مبارزه طبقاتی اثر می باشد. رژیم شاه در سال ۱۳۳۷ (پس از سال سرکوب سازمان یافته جنبش سند یکائی) دریافت که برای ممانعت از تشکل و سازمان یابی کارگران تنها توسل به اعمال قهر و سرکوب کافی نیست، بلکه باید با اهرم قوانین متحجر سرمایه داری به تاسیس سند یکاهای فریادگرایان اقدام نماید. بدین ترتیب در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷، قانون کار جدیدی را که به مراتب عقب مانده تر از قانون کار قبلی بود از تصویب مجلس گذراند. این قانون کار که بی بایست مبنای حقوقی مناسبات کارگر و کارفرما باشد، با مشارکت مستقیم عمال امپریالیسم که زیر عنوان برطمطراق "کارشناسان سازمان بین المللی کار" در رکشورهای زیر سلطه فعالیت می کردند، تدوین شده بود. همچنین در تنظیم این قانون از آئین نامه ها، مصوبه ها و مقررات ارتجاعی ضد کارگری ای که تا آن زمان اختیار صدورش به وزارت کار و کارفرمایان بود، استفاده شده بود. از طرفی دیگر آنجا که این قانون شامل بخش مهمی از کارگران منجمه مشمولین قانون استخدام کشوری، کارگران کشاورزی، کارگران تاسیساتی و ساختمانی و کارگاه های خانگی و... نمی شد، بیش از پیش موجبات تشدید تفرقه و تبعیض در صفوف کارگران را فراهم می آورد. و این از جمله هدف هایی بود که کارگران رژیم کودتا از تدوین این قانون تعقیب می کردند. به علاوه قانون کار قدیم (قانون ۱۳۳۸) علیرغم نقائص و کمبود هایش از زمره دستاوردهای مبارزاتی کارگران در دهه ۲۰ بود. لغو این قانون و تصویب قانون ارتجاعی به معنای بازستاندن یکی دیگر از دستاوردهای مهم جنبش کارگری - سند یکائی بود.

رژیم کودتا با برخورد اری از "رهنمودهای" امپریالیستی دریافتی بود که برآمد مبارزات اعتصابی کارگران (کوره پزخانه های تهران، کارخانه وطن اصفهان و...) در وطن خود

غیر انسانی کاروندگی خود بیاخاستند. اعتصاب و راهپیمایی بزرگ کارگران کوره پزخانه ها به خاطر حقوق صنفی مبرم شان، با یورش مسلحانه مزدوران رژیم مواجه شد که طی آن متجاوزان، کارگر شهید و جمع کثیری نیز مجروح شدند. رژیم دست نشانده و مزدور - شاه با این عمل جنایتکارانه یک بار دیگر چهره رسوای خود را برملا کرد و عمق خصوصیت کینه توزانه خود و اربابان امپریالیستش را با جنبش کارگری نشان داد. این اعتصاب با توجه به دامنه توده ای و خصلت بیکار جوینانه اش از رویداد های مهم جنبش کارگری در این دوره به شمار می آید. تمامی شور و انقلابی و شریزه طبقاتی کارگران که از زرفای شرایط طاقت فرسای کاروندگی شان نشأت می گرفت در این خیزش بیکار جوینانه تبلور یافت این اعتصاب تاثیرات بلاواسطه ای بر جنبش اعتصابی سایر نقاط کشور به جا گذاشت برخلاف آنچه که رژیم شاه پیش بینی می کرد سرکوب اعتصاب کوره پزخانه منجمله جای آنکه شور مبارزاتی دیگر کارگران را فرو نماند آنان را در طرح خواست های صنفی - سیاسی شان به جسات انقلابی بیشتری تحریض نمود. به دنبال این اعتصاب کارگران در تعداد بیشتری از کارخانجات دست به اعتراض زدند. در اصفهان ۱۷۰۰ تن از کارگران کارخانه وطن اعتصاب کردند که با یورش نیروهای سرکوبگر رژیم، ده تن از کارگران شهید و بسیاری نیز زخمی شدند. همچنین کارگران کارخانه های شهناز و شمشیر اصفهان نیز برای تحقق خواست های صنفی مبرم اعتصاب کردند. علیرغم سرکوب های مستمر و سازمان یافته حرکت های کارگری توسط رژیم کودتا و با وجود فروپاشی تدریجی سند یکاهای اعتراضات خود انگیخته کارگران در ابعاد و بالنسبه گسترده و با کمیتی چشمگیر ادامه یافت آنچنانکه رژیم کودتا را به تکاپو انداخته و مسئولین حکومتی را مستاصل کرده بود به نحوی که اقبال نخست وزیر وقت با غیظ و نفرت در مجلس گفته بود:

"من از این کلمه اعتصاب متنفرم! رژیم کودتا بیش از پیش در پی یافتن راهی برای مقابله با جنبش اعتصابی کارگران، سرنیزه های عربان، کافی نیست بلکه باید به این سرنیزه ها لباس "قانون" بپوشاند. و از آنجا که قانون کار ۱۳۳۸ پاسخگونی نبود، در اسفند ماه ۱۳۳۷ قانون کار ارتجاعی و متحجر را به تصویب رساند تا برابتدای ترین حقوق صنفی کار و نیز خط بطلان کشد.

زمینه های عینی وحدت سند یگایی را در و باید به هر طریقی که شده از گسترش آن جلوگیری نماید . در همین رابطه بود که در دی ماه ۱۳۳۸ وزارت کار به نمایش مضحك و عوام - فریبانه ای دست زد و آئین نامه ای تحت عنوان " آئین نامه سند یگای اتحادیه و کفند راسیون " تهیه و تدوین نمود این آئین نامه در اساسی ترین خطوط خود از قوانین ارتجاعی - معالک امپریالیستی الهام گرفته بود و اساسا روح فاشیستی این قوانین را در بند خود منعکس می ساخت . بطور کلی در سالهای پس از جنگ جهانی دوم به موازات اعتلای چشمگیر جنبش بین المللی سند یگایی ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکانیزم مذبحخانه می گویند تهاجم به حقوق سند یگایی را گسترش دهد . در کشورهای مختلف سرمایه داری حکومت های ارتجاعی وقت برای مقابله با موج اعتلایی جنبش سند یگایی ، قوانین و آئین نامه های ضد کارگری متعدد در آنجا دیدند که فصل مشترک جمیع آنها ضد کارگری و ضد کمونیستی بودن شان بود . فی العنل در آمریکا قانونی به نام " تافت - هارتلی " به تصویب رسید که سرشت فاشیستی سیاست کارگری امپریالیسم امریکارابه خوبی نشان می داد . قانون تافت - هارتلی در خصوصیت بارز داشت اول آنکه مطابق این قانون نمایندگان سند یگای هموظف بودند در برابر کمیسیون ویژه سنای آمریکا (کمیسیون مک کارتی) نسبت به حکومت سوگند وفاداری یاد کنند و دوم آنکه سوگند یاد کنند که نه تنها از اندیشه های کمونیستی بکلی " مبری هستند بلکه تعهد می نمایند که مبارزه ضد کمونیستی راهواره به پیش برند . . . و اما قانون کار رژیم شاه در این مورد به مراتب بار از قانون تافت - هارتلی نیز فراتر گذاشت و ماده ۲۶ قانون کار (ایجاد سند یگایها با تایید وزارت کار) را اینچنین به اجراء آورد که برای تشکیل يك سند یگای ابتدا برنامه جلسات ، فهرست اعضا ، سابقه و عکس های نمایندگان سند یگایها و اطلاعات پلیسی در یگانه وزارت کار می بایست ارائه شود وزارت کار این اسناد را به سازمان امنیت ارسال می داشت نگاه ساواک نسبت به " صلاحیت " سند یگای تصمیم می گرفت و تشخیص می داد که آیا " آئین نامه سند یگای مزبور با قانون مطابق است در دایانه ! در اینجای یگانه حضور نمایندگان سند یگای در کمیسیون ستاواک ای سوگند وفاداری نسبت به حکومت نیازی نبود زیرا ساواک با تعقیب و مراقبت های ممتد استراق سمع و تفتیش عقائد و اختناق و ارباب نمایندگان سوگند خورده مورد اعتماد و وفادار را که از صافی تهدید و تطمیع گذشته بود ند ، برمیگزید و در راس سازمان های به اصطلاح کارگری قرار می داد قانون کار مصوبه ۱۳۳۷ و آئین نامه اجرائی تشکیل سند یگایها (مصوب ۱۳۳۸) که تنها

حقوق اولیه سند یگایی (حق تشکیل آزادانه توده کارگران در سازمان های سند یگایی و اتحادیه ای) را بکلی نقض می کردند ، بلکه حق سند یگایها در انتخاب آزادانه رهبران و ارگان های اجرایی و تدوین برنامه عمل شان ، برگزاری آزادانه میتینگ تظاهرات ، کفند راسیون ، کنگره ، اعتصاب ، ابراز همبستگی با اقدامات دیگر جوانان دیگرسند یگایها انتشار نشریات و مطبوعات و بخش و توزیع آزادانه آنها ، داشتن مکان های ثابت سازماندهی آموزش های سند یگایی و دیگر فعالیت های آموزشی و فرهنگی به کلی از بین رفت و حق ایجاد اتحادیه و فد راسیون بر مبنای حرفه محل منطقه و کشور ، اظهار نظر بر امون اقدامات و طرح های اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی دولت و همه مسائلی که به نحوی از انحاء به منافع و حقوق طبقه کارگر ارتباط و پیوستگی دارد ، مذاکره در باره تعیین دستمزدها و شرایط کار با کارفرمایان و مقامات دولتی ، انعقاد پیمان های دسته جمعی ، ارائه نظروپیشنهاد به هنگام تنظیم قوانین و آئین نامه های که بطور مستقیم و مشخص به منافع کارگران مربوط می شود ، مخالفت با تصمیمات و اقدامات يك جانبه کارفرمایان و دولت . . . و رانیز اساسا پایمال کرد . فبروایشی سند یگای واقعی و تصویب و تحمیل قانون کار ضد کارگری رژیم کودتا ، آنچنان زمینه ای فراهم آورد که سند یگای فرمایشی یا به قولی طاغوتی بلافاصله و از همه جاه چون قارچ بعد از باران برویند بطوری که از ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۵ متجاوز از ۷۶۷ " سند یگای " و " اتحادیه " ساخته شد و در ۱۳۴۶ سیستم بوروکراتیک فاسدی تحت عنوان " سازمان کارگران ایران " در چارچوب ضوابط ساواک و آئین نامه های ضد کارگری فوق الذکر شکل گرفت . که ما چگونگی سیر جنبش کارگری ، مضمون تشکل ها و عملکرد آنها در دهه ۵۰ و ۶۰ را در جای خود به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد . اما آنچه در پایان این فصل باید توضیحا اشاره کنیم مسئله چگونگی درج فصول بعدی این مقاله (" مروری بر تاریخچه جنبش سند یگایی در ایران ") از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۰ در نشریه " کار " است . باید خاطر نشان کنیم که درج فصول بعدی این سلسله مقالات (که خود مشتمل بر چهار فصل دیگر از ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۰ است) اقتضای در همین جابه پایانی رسیده چون همانطور که برخی از رفقای خواننده " کار " به درستی اشاره کرده اند ، درج يك مقاله به صورت دنباله در او با فاصله زمانی نسبتا طولانی تعقیب و مباحث و تسلسل مفاهیم (به صورت کلیتی واحد و منسجم) را دشواری گرداند . از این رو بنا به پیشنهاد رفقا بهتر است که کلی این مقاله را به صورت جزوه ای جداگانه و واحد تحت عنوان " مروری بر تاریخچه جنبش سند یگایی در ایران " (از ۱۲۸۶ تا ۱۳۶۰) چاپ و منتشر نماییم .



محمد پروانه